

لا فتی الا علی، لا سیف الا ذو القطار



در جنگ احد در مرحله اول نبرد، سپاه قریش فرار کردند، و افراد تحت فرماندهی عبدالله بن جبیر به منظور جمع آوری غنایم جنگی منطقه استقرار خود را رها کردند، گرچه عبدالله فرمان صریح پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به یادشان آورد ولی آنان ترتیب اثر نداده و بیش از 40 نفرشان از تپه سرازیر شده به دنبال جمع آوری غنایم رفتند...

در جنگ احد در مرحله اول نبرد، سپاه قریش فرار کردند، و افراد تحت فرماندهی عبدالله بن جبیر به منظور جمع آوری غنایم جنگی منطقه استقرار خود را رها کردند، گرچه عبدالله فرمان صریح پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به یادشان آورد ولی آنان ترتیب اثر نداده و بیش از 40 نفرشان از تپه سرازیر شده به دنبال جمع آوری غنایم رفتند.

خالد بن ولید با گروهی سواره نظام که در کمین آنان بود، به آنان حمله کرد و پس از کشتن آنان از پشت جبهه به مسلمانان یورش برد و این همزمان شد با بلند شدن پرچم آنان توسط یکی از زنان قریش به نام عمرة بن علقمه، که جهت تشویق سربازان قریش به میدان جنگ آمده بودند. از این لحظه، وضع جنگ به کلی عوض شد؛ آرایش جنگی مسلمانان به هم خورد؛ صفوف آنان از هم پاشید؛ ارتباط فرماندهی با افراد قطع گردید و مسلمانان شکست خوردند و حدود هفتاد نفر از مجاهدین اسلام، از جمله حمزة بن عبدالمطلب و مصعب بن عمیر، (یکی از پرچمداران ارتش اسلام)، به شهادت رسیدند.

از طرف دیگر، چون شایعه کشته شدن پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در میدان جنگ توسط دشمن پخش گردید، روحیه بسیاری از مسلمانان متزلزل شد و در اثر فشار نظامی جدید سپاه شرک، اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان عقب نشینی کرده و پراکنده شدند، و در میدان جنگ افرادی انگشت شمار در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) ماندند و لحظات بحرانی و سرنوشت ساز در تاریخ اسلام فرا رسید.

اینجا بود که نقش بزرگ حضرت علی (علیه السلام) به عنوان تنها مدافع خستگی ناپذیر نمایان گردید، زیرا علی (علیه السلام) با شجاعت و رشادتی بی نظیر در کنار پیامبر شمشیر می زد و از وجود مقدس پیشوای عظیم الشان اسلام در برابر یورش های مکرر فوج های متعدد مشرکان حراست می کرد. اینجا بود که نقش بزرگ حضرت علی (علیه السلام) به عنوان تنها مدافع خستگی ناپذیر نمایان گردید، زیرا علی (علیه السلام) با شجاعت و رشادتی بی نظیر در کنار پیامبر شمشیر می زد و از وجود مقدس پیشوای عظیم الشان اسلام در برابر یورش های مکرر فوج های متعدد مشرکان حراست می کرد.

این اثیر در تاریخ خود می نویسد:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گروهی از مشرکین را مشاهده کرد که آماده حمله بودند، به علی (علیه السلام) دستور داد به آنان حمله کند، حضرت علی (علیه السلام) به فرمان پیامبر به آنان حمله کرد و با کشتن چندین تن موجبات فرار آنان را فراهم ساخت. پیامبر (صلی الله علیه و آله) سپس گروه دیگری را مشاهده کرد و به علی (علیه السلام) دستور حمله داد و حضرت علی (علیه السلام) آنان را کشت و متفرق ساخت.

در این هنگام فرشته وحی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: این نهایت فداکاری است که علی (علیه السلام) از خود نشان می دهد. رسول خدا فرمود: او از من، و من از او هستم. در این هنگام صدایی از آسمان شنیدند که می گفت:

لا فتی الا علی، لا سیف الا ذو القطار؛ جوانمرد شجاعی چون علی (علیه السلام) و شمشیری چون ذوالقار وجود ندارد).

ابن ابی الحدید نیز می نویسد:

هنگامی که غالب یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) پا به فرار نهادند، فشار دسته های مختلف دشمن به سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بالا گرفت.

دسته های از قبیله بنی کنانه، و گروهی از قبیله بنی عبد مناة، که در میان آنان چهار جنگجوی نامور به چشم می خورد، به سوی پیامبر یورش بردند.

رسول خدا فرمود: او از من، و من از او هستم. در این هنگام صدایی از آسمان شنیدند که می گفت:

لا فتی الا علی، لا سیف الا ذو القطار؛ جوانمرد شجاعی چون علی (علیه السلام) و شمشیری چون ذوالقار وجود ندارد).

پیامبر به حضرت علی (علیه السلام) فرمود: حمله اینها را دفع کن.

حضرت علی (علیه السلام) که پیاده می جنگید، به آن گروه که پنجاه نفر بودند، حمله کرده و آنان را متفرق ساخت.

آنان چند بار مجدداً گرد هم جمع شده و حمله کردند، باز هم حضرت علی (علیه السلام) حمله آنان را دفع کرد.

در این حملات، چهار نفر قهرمان مزبور و ده نفر دیگر که نامشان در تاریخ مشخص نشده است به دست علی (علیه السلام) کشته شدند.

جبرئیل به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفت:

راستی که حضرت علی (علیه السلام) فداکاری می کند، فرشتگان از فداکاری او به شگفت آمده اند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

چرا چنین نباشد، او از من و من از او هستم.

جبرئیل گفت: من هم از شما هستم .
آنگاه صدایی از آسمان شنیده شد که مکرّر می‌گفت: لا سَيْفَ إِلَّا دُوالْقَقَارِ وَلَا فِتْنَى إِلَّا عَلِيٌّ وَلِيٌّ گوینده دیده نمی‌شد.
از پیامبر سؤال کردند که: گوینده کیست؟ فرمود: جبرئیل است. (1)

پی‌نوشت‌ها:

1- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 14، ص 251، و خوارزمی نیز در کتاب المناقب، ص 223 روایت می‌کند که (علی علیه‌السلام در جریان شورا به این فداکاری که ندای آسمانی را در پی داشت، بر اعضای شورا احتجاج کرد).
برگرفته از کتاب الگوهای رفتاری امام علی(علیه‌السلام)، ج اول، مرحوم محمد دشتی .